ادامه از صفحه اول

فرصت طلایی در شورای امنیت

اختیارات شورای امنیت سازمان ملل فراخوانی اعضا برای اعمال تحریم‌های اقتصادی و سایر اقداماتی که بدون توسل به زور علیه یکی از اعضای سازمان ملل اعمال و اجرا شود، است. علاوه بر آن، شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور ملل، این قدرت را دارد که به بهانه تهدید صلح جهانی یکی از اعضا، اقداماتی جدی مانند استفاده از نیروی مسلح نظامی برای نگهداری یا بازگرداندن صلح و امنیت جهانی را در قطع‌نامه‌ای ذیل فصل هفتم تصویب کند. برای نمونه، شورای امنیت سازمان ملل در سال ۱۹۵۰ در جنگ کره استفاده از نیروی نظامی را تجویز و اجازه استفاده از نیروهای چندملیتی را نیز در زمان اشغال کویت از سوی عراق در سال ۱۹۹۱ صادر کرد. درباره لیبی نیز در سال ۲۰۱۱ اجازه اقدام بین‌المللی علیه قذافی را صادر کرد و به نیروهای بین‌المللی علیه گروه القاعده در افغانستان در سال ۲۰۰۱ اجازه حمله نظامی داد. یکی دیگر از اختیارات شورای امنیت بر مبنای فصل هفتم، این است که دولت‌ها یا افراد متهم به نقض قوانین بشردوستانه را تحت عنوان نقض حقوق بشر در دادگاه‌های بین‌المللی تحت پیگرد و محاکمه قرار دهد یا به مجمع عمومی سازمان ملل این اجازه را بدهد که پرونده دولتی را که متهم به ارتکاب جنایت علیه بشریت است، در دادگاه کیفری بین‌المللی تعقیب کند. هفتادوسومین مجمع عمومی سازمان ملل از این نظر مهم است که هم‌زمان با تشکیل مجمع عمومی، شورای امنیت نیز که ریاست یک‌ماهه دوره‌ای آن با دولت آمریکاست، تشکیل جلسه می‌دهد. در ابتدا نیکی هیلی، نماینده دائم آمریکا در سازمان ملل، اعلام کرد شورای امنیت به ریاست دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، برگزار می‌شود و ریاست‌جمهوری آمریکا خواهان آن است که موضوع اتمی ایران در دستور کار شورای امنیت قرار گیرد. بر اساس سازوکار حقوقی شورا، تقاضای تشکیل جلسه شورای امنیت به‌این‌ترتیب است که درخواستی تقدیم ریاست شورا می‌شود که در آن تشکیل جلسه فوری یا عادی شورا مطرح شده است. این درخواست می‌تواند از طرف یک دولت عضو سازمان ملل باشد؛ این عضو می‌تواند طرف مناقشه باشد یا حتی نباشد. زمانی که جلسه شورای امنیت به ادعای یکی از اعضا علیه عضو دیگری تشکیل می‌شود، بر اساس مفاد فصل ششم منشور ملل در حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات، باید عضوی که به اختلاف آن در جلسه شورا رسیدگی می‌شود نیز در جلسه شورای امنیت حاضر باشد و موضوع اختلاف به اطلاع عضو برسد. همین مطلب باعث شد که دولت آمریکا اعلام کند دستور جلسه شورای امنیت مربوط به تسلیحات اتمی است و به صورت کلی به فعالیت‌های اتمی اعضا رسیدگی خواهد شد و موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران نیز جزء دستور خواهد بود. چون موضوع فعالیت هسته‌ای کشورهای جهان به صورت کلی در شورا مطرح می‌شود، لزومی به حضور ایران و حق دفاع برای این کشور وجود ندارد؛ اما رئیس‌جمهور آمریکا در آخرین توییت خود به‌صراحت اعلام کرد در جلسه شورای امنیت به‌عنوان رئیس جلسه حاضر می‌شوم و به صورت اختصاصی به مسئله برجام خواهم پرداخت. هم‌اکنون بر اساس مفاد فصل ششم منشور ملل، این شورا باید از ایران دعوت کند تا در جلسه شورای امنیت حاضر شده و از حق قانونی خود دفاع کند. بنابراین هفتادوسومین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل و نیز جلسه شورای امنیت امسال برای ایران بسیار مهم است. حدفاصل مجمع عمومی سال گذشته تا مجمع امسال، آمریکا به صورت یک‌طرفه از برجام خارج شد؛ برجامی که با قطع‌نامه شورای امنیت به تصویب رسید و مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌صراحت از پایبندی ایران در قبال تعهدات برجامی به شورای امنیت گزارش داده است. ترامپ که سال‌ها پشت میز قمار روزگار گذرانده، این‌بار پشت میز شورای امنیت به بزرگ‌ترین قمار سیاسی خود دست زده است؛ او باید شورا را قانع کند که ایران به تعهدات برجامی خود پایبند نبوده است؛ درحالی‌که باقی‌مانده اعضای گروه ۱+۵، همه بر این باورند ایران خلافی انجام نداده که مستحق برهم‌زدن برجام باشد. فراموش نکنیم این فرصتی است برای ایران و رئیس‌جمهوری یا وزیر امور خارجه کشورمان که با حضور در جلسه شورای امنیت، این‌بار در بزرگ‌ترین مجمع جهانی و با حضور همه کشورهای عضو، از حقوق ایران دفاع کنند. طلایی‌ترین فرصت تاریخی هم‌اکنون در اختیار ایران است تا با تکیه بر حمایت آژانس انرژی هسته‌ای و گروه ۱+۴ که امضاکنندگان برجام بودند، از حقوق طبیعی ایران دفاع کند. یکی از اعضای دائمی شورای امنیت که امضاکننده قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است، با سوءاستفاده از ریاست دوره‌ای خود بر شورای امنیت درصدد است دوباره ایران را در موضع تحریم جهانی قرار دهد. دفاع حقوقی و مستدل ایران می‌تواند سندی تاریخی باشد برای آنکه تحریم آمریکا برخلاف منشور ملل متحد است. آزمونی تاریخی پیش‌روی هیئت ایرانی شرکت‌کننده در مجمع عمومی سازمان ملل است تا یک بار دیگر مانند حضوری که مرحوم دکتر مصدق در شورای امنیت داشت، سندی تاریخی از مظلومیت ایران را در بزرگ‌ترین گردهمایی سیاسی جهان از خود به یادگار بگذارند.

تهدیدهای نفتی ترامپ برای کنترل قیمت‌ها تا انتخابات میان‌دوره‌ای، برضدش تمام شد

باخت آمریکا در بازی نفتی

شرق: خبرها در رسانه‌ها از آخرین نشست نفتی بین اعضای اوپک و غیراوپک حاکی از آن بود که باز هم تلاش‌های آمریکا برای متأثرکردن کمیته مشورتی الجزایر نتوانسته کارآمد باشد و «بی‌تصمیمی»، مهم‌ترین تصمیم این نشست برای جلوگیری از غیرقانونی عمل‌کردن بود. براساس داده‌ها، در این نشست مشورتی که عموما تمامی اعضا در آن حضور ندارند، وضعیت بازار رصد می‌شود و گزارش آن در اختیار وزیران قرار می‌گیرد و هیچ تصمیمی که مبنای قانونی داشته باشد در آن گرفته نمی‌شود، اما به‌تازگی برخی به‌ویژه از سوی آمریکا درصدد فشاروارد‌کردن به این کمیته برآمده بودند تا اعضای آن را وادار کنند برای افزایش تولید و جایگزینی نفت ایران به توافق برسند. تیری که البته به سنگ خورد و به قول حسین کاظم‌پوراردبیلی، نماینده ایران در هیئت عامل اوپک، در گفت‌وگو با سی‌ان‌بی‌سی، خطاب به ترامپ: «من به او (ترامپ) می‌گویم که ساکت باش، توییت منتشر نکن، وضع بهتری درباره قیمت خواهی داشت». شاید نتوان حکم پیروزی ایران و رایزنی مثبت را بر این اقدام گذاشت، اما آنچه رخ داد، نفع ایران در ثبات وضعیت موجود بود. زنگنه نیز با کنایه نسبت به نتیجه این نشست گفته: «حذف نفت ایران در میان‌مدت امکان‌پذیر نیست، اما در کوتاه‌مدت آمریکایی‌ها مسائلی در ذهنشان هست تا اگر شده حتی برای یک ماه به‌صورت نمادین صادرات نفت ایران را به صفر برسانند، اما این خواب هیچ‌گاه تعبیر نمی‌شود». امری که کارشناسان نیز بارها بر آن تأکید کرده‌اند. او گفته: «آنچه در الجزایر حاصل شد این بود که هیچ کشوری پاسخ مثبتی به صحبت‌های آقای ترامپ نداد و تقریبا اوپک و حتی کشورهای غیرعضو اوپک هم اعلام کردند اکنون نیازی به افزایش تولید نیست و این را اگر نگوییم شکست سخت، به‌طور حتم هیچ دستاوردی برای آقای ترامپ نداشته است». در این میانه، وزیر نفت ایران در حاشیه نمایشگاه ایران‌پلاست درباره اثر احتمال تحریم‌های نفت ایران بین خریداران نفت ایران در گفت‌وگو با رسانه‌ها گفته: «برخی کشورها خرید نفت از ایران را کاهش داده‌اند، اما هیچ کشوری خرید نفت خود از ایران را متوقف نکرده و تنها کره جنوبی است که برای سه ماه پیاپی از ایران نفت نخریده است». کشوری که ایران در همکاری با آن بسیار همراهی کرده و اکنون در اجرای دستورات آمریکا، پیش‌دستی می‌کند. زنگنه همچنین درباره راه‌حل جایگزین فروش نفت ایران در دوران تحریم‌ها نیز خبر داده که سران قوا با عرضه نفت خام در بورس موافقت کرده‌اند و تنها موضوع، به‌توافق‌نرسیدن بر سر این پیشنهاد در هیئت دولت است. براین‌اساس به‌دلیل حساسیت‌های این موضوع اعلام شد نفت ۲۰ درصد ریالی و ۸۰ درصد ارزی به‌طور آزمایشی و محدود در بورس عرضه شود و پس از ارزیابی نتایج، تصمیم بعدی گرفته می‌شود. به گفته او، عرضه خرده‌محموله‌ها در بورس مشخص است و تا حدود ۴۰ هزار بشکه خواهد بود. این عضو کابینه دولت همچنین خبر داده برای کنترل قاچاق بنزین از کشور احتمالا کارت سوخت دوباره احیا شود.

کاغذی‌ها به‌دنبال تلاطم در بازار نفت

جواد یارجانی، مدیر کل سابق امور اوپک نیز در گفت‌وگو با «شرق» درباره نتیجه نشست الجزایر می‌گوید: نشست اخیر الجزایر نشست تمامی اعضا نبود و مبنای وجود آن نیز نشستی نیست که در آن تصمیم گرفته شود، بلکه مبنای تشکیل آن، نشستی مشورتی پیش از نشست‌های سالانه اوپک بین اعضای اوپک و غیراوپک بود که عملکرد کشورها را نسبت به تعهداتی که داشتند، به وزرای حاضر گزارش کند. برخی می‌کوشیدند به این کمیته مسئولیت‌های دیگری بدهند که منبع و مصوبه‌ای نداشت. تمام موضع ایران در هفته‌های اخیر این بود که این کمیته، چنین وظیفه‌ای را بر عهده ندارد و اگر چنین کند، نتیجه آن را وتو خواهد کرد.

یارجانی با بیان اینکه اوپک یک کارتل نیست، می‌افزاید: این‌گونه نیست که اعضای اوپک، نعل‌به‌نعل آنچه را سازمان می‌گوید، انجام دهند و اگر انجام ندهند، مجازات می‌شوند. اوپک سازوکاری برای جریمه اعضا ندارد و فشارهای اعضا صرفا براساس منافع ملی کشورها انجام می‌شود و نمی‌توان آن را به حساب اوپک گذاشت.

او درباره اثر تحریم‌های ایران در بازار نفت نیز می‌گوید: بخش ژئوپلیتیک بر بازار نفت کماکان مؤثر است و یکی از عواملی که بر افزایش قطعی اما نه‌چندان شدید قیمت‌ها مؤثر است، عملی‌شدن تحریم‌های نفتی ایران است. اگر فشار بر فروش نفت ایران وجود داشته باشد، روی قیمت‌ها اثر می‌گذارد، اما اگر فشارها به هر دلیلی کم شود، باز هم بر قیمت‌ها اثر خواهد گذاشت.

عده‌ای در بازار کاغذی حضور دارند که به قیمت‌های ثابت علاقه‌ای ندارند و دوست دارند قیمت‌ها در نوسان باشد تا سود کنند، برخلاف آن مصرف‌کنندگان واقعی نفت علاقه دارند بازار را در ثبات ببینند.

احتمال دستکاری بازار از سوی آمریکا برای کنترل قیمت

ایمان ناصری، مدیرکل خاورمیانه مؤسسه مشاوران بازار نفت و گاز FGE در گفت‌وگو با «شرق» درباره نتیجه نشست اخیر الجزایر می‌گوید: توافق و اعلامیه نشست اخیر الجزایر را به‌نوعی می‌توان «هیچ کاری انجام‌ندادن» تعبیر کرد. به این معنا که تصمیم، استمرار روند کنونی تا نشست بعدی با فاصله‌ای کوتاه از اعمال تحریم‌های نفتی علیه ایران در نوامبر باشد. ترجمه تصمیم گرفته‌شده، عدم تغییر در تصمیم قبلی نشست مبنی بر ادامه همکاری کل مجموعه اوپک و غیراوپک برای نگه‌داشتن سطح تولید بود.

به عقیده او، این اقدام یک حرکت سیاسی بود که می‌تواند این اجازه را به تک‌تک اعضا ازجمله ایران، روسیه و عربستان بدهد که ترجمان خود را از این نشست داشته باشند. تصمیمی که قبلا گرفته شد این بود که تولید اوپک و غیراوپک بیش از توافقی که بر کاهش تولید گرفته شده بود، کاسته شده است. در واقع افزایش تولید اکنون باید به نحوی باشد که افزایش تولید به این کشورهای عضو توافقنامه، به سقفی که مشخص کرده بودند، برسد. اما مشخص نیست وقتی تولید نفت ایران کاهش پیدا کند، آیا کشورها تولید خود را افزایش می‌دهند یا نه. اکنون به نحوی بیش از آنچه باید از بازار حذف کنند، حذف کردند، اما سوال این است که افزایش چندصدهزار بشکه‌ای عربستان و روسیه با توافق اعضایی که زیرسقف خود تولید می‌کردند، انجام شده؟

ناصری با اشاره به سفر رئیس‌جمهوری به نیویورک می‌گوید: مطمئن نیستم که نشست اخیر در نیویورک چقدر به سطح جزئیات می‌رسد که بتواند بازار نفت را متأثر کند. اگر هم مذاکراتی باشد، نتیجه آن مذاکرات بازار را مشخص می‌کند. از نظر تولید اثری ندارد؛ مگر اینکه نتیجه مذاکرات به سمتی پیش برود که برداشتن یا توقف تحریم‌ها را موجب شود.

او با اشاره به عرضه و تقاضا در بازار می‌گوید: اکنون کمبود خاصی در بازار نداریم و توازن برقرار است و حتی در صورت کاهش بیشتر تولید نفت ایران، درحال‌حاضر اعضای دیگر به ویژه عربستان ظرفیت مازاد دارند و می‌توانند این ظرفیت را پر کنند. با این اوصاف می‌توان گفت قیمت‌ها در بازار در ماه‌های آتی در محدوده ۷۵ تا ۸۵ دلار خواهد بود. این امر در حالتی است که شرایط ثبات برقرار باشد؛ مگر اینکه اتفاق خاصی مثل توقف صادرات ونزوئلا رخ دهد یا صادرات نفت ایران به نزدیک صفر برسد که از سوی کارشناسان چنین پیش‌بینی‌ای درباره ایران وجود ندارد.

مدیرکل خاورمیانه مؤسسه مشاوران بازار نفت و گاز FGE با بیان اینکه احتمال اینکه آمریکا و ترامپ قبل از انتخابات میان‌دوره‌ای سعی کنند بازار را به‌نوعی کنترل کنند که بیش‌ازاین بالاتر نرود، می‌افزاید: این احتمال وجود دارد که مجوزهایی محدود به برخی خریداران نفت ایران برای ادامه واردات یا اجازه استخراج و فروش نفت از ذخایر استراتژی خود برای بازه و حجم مشخص بدهد که می‌تواند بازار را به نحوی دستکاری کند تا قیمت‌ها در ثبات بماند یا حتی روند کاهشی را در پیش بگیرد.

این کارشناس درباره طرح آزمایشی فروش نفت ایران در بورس، همچنان بر عقیده قبلی خود پافشاری کرده و می‌گوید: هنوز هم متقاعد نشده‌ام که راه جایگزین بورس نفت برای فروش نفت ایران، راهکار عملی یا واقعی و به نفع کشور باشد. فکر نمی‌کنم بخش خصوصی‌ای داشته باشیم که تجربه یا سابقه و توانایی فروش نفت در بازارهای بین‌المللی داشته باشند. احتمالی قوی‌تری که وجود دارد، این است که واسطه‌گرها وارد این کار شوند و نفت‌ها را به قاچاقچیان بین‌المللی نفت و نه خریداران واقعی و با اعتبار نفت بفروشند که می‌تواند نفت ایران را به بازار برساند و مقداری پول هم به کشور بیاورد؛ اما این اقدام جیب واسطه‌گران داخلی و قاچاقچیان بین‌المللی را پر می‌کند و آنها را در بخشی از پول نفت ایران سهیم می‌کند.

به گفته او، افت صادرات نفت ایران پس از تحریم‌ها، ملایم‌تر از آنچه آمریکا تصور کرده رخ خواهد داد و نوسانات قیمت نفت را نیز دو تا پنج دلار در برخی ماه‌ها به سمت بالا و پایین خواهیم داشت.

منطق گم‌شده در بازار ارز

افزایش مجدد قیمت دلار

شرق: بعد از تثبیت کوتاه دلار در کانال ۱۴ هزار تومان، بازار ارز دیروز بار دیگر شاهد جهش قیمت‌ها بود و هر یک دلار معادل ۱۵هزار و ۶۰۰تومان قیمت‌گذاری شد. دلار که از صبح دیروز با ۱۴ هزار و ۵۰۰ تومان و حتی کمتر، معاملات خود را شروع کرده بود تا عصر دیروز به ۱۶ هزار تومان هم رسید. همچنین یورو از حدود ۱۶هزار و ۹۰۰ تا ۱۷ هزار و ۵۰۰ تومان رشد کرد. برخی این جهش قیمتی را به‌دلیل نگرانی‌های مربوط به مذاکرات حسن روحانی، رئیس جمهوری، در سفر به نیویورک می‌دانند و برخی از کمبود عرضه سخن می‌گویند. به گزارش «شرق»، بازار ارز دیروز، روز پرالتهابی را پشت‌سر گذاشت. نرخ ارز نسبت به هفته گذشته تقریبا ۲۰درصد رشد داشت و به گفته فعالان بازار گرچه انجام معاملات در بازار خیلی بالا نبود، اما تقاضای محدودی وجود داشت. فعالان بازار هم از این جهش یک‌باره دوهزارتومانی نرخ دلار غافلگیر شده و دلیل مشخصی برای این رشد نمی‌بینند. میثم رادپور، فعال بازار ارز، در گفت‌وگو با «شرق» معتقد است مجموعه عواملی مانند نااطمینانی در بازار و تزریق فشار دولت در بازار باعث رشد نرخ ارز شده و احمد امینی‌خواه، یکی‌دیگر از فعالان بازار، جهش ارزی را مربوط به فشارهای دونالد ترامپ می‌داند. برخی دلالان می‌گویند هر وقت دلار گران‌تر می‌شود، تقاضا هم برای خرید بالاتر می‌رود. برخی فعالان بازار هم معتقدند اخبار ضدونقیض درباره مسائل سیاسی و شرایط بین‌الملل همواره بر بازار اثر داشته و این روزها هم این دست خبرها کم نیست و می‌تواند عامل نوسان باشد. هرچند در میان تحلیل‌های فعالان بازار نمی‌توان به یک عامل در افزایش نرخ ارز رسید، اما آنچه روشن است نااطمینانی و نگرانی‌هایی است که در بازار ارز وجود دارد و در نبود نظارت کافی قیمت‌ها به حال خود رها شده و همچنان در حال پیش‌رفتن است. در مجموع، فعالان بازار ارز با توجه به شرایط موجود پیش‌بینی دقیقی از روزهای پیش روی بازار آزاد نداشته و می‌گویند این بازار تکلیف و منطق ندارد. امینی‌خواه، فعال بازار، دراین‌باره توضیح داد: بازار ارز آزاد به حال خود رها شده است و دولت علاقه‌ای به کنترل این بازار ندارد. سمت تقاضا در این بازار به‌سوی خروج سرمایه است و از سمت کسانی است که می‌خواهند از ایران سرمایه خارج کنند. دولت هم به نظر می‌رسد بر این باور است که بخشی از نیاز جامعه را از طریق نرخ ارز دولتی و ثانویه پاسخ می‌دهد و بهتر است جلوی خروج سرمایه را بگیرد. بازار ارز در دوره کوتاهی با دلار ۱۴هزارتومانی تثبیت شد و شاید بتوان عامل رشد فعلی را مربوط به تهدیدات آمریکا دانست. اما قطعا این افزایش قیمت موقت و گذراست و تا مدت کوتاهی نمی‌توان انتظار شوک قیمتی دیگری داشت. اگر مجموع سپرده دیداری و بلندمدت را تقسیم بر ۱۵هزار تومان کنیم، ارزش کل نقدینگی موجود حدود ۱۰۰میلیارد دلار است که معادل درآمد ارزی دو سال پتروشیمی و نفت است. می‌توان پیش‌بینی کرد اگر تحریم‌ها به ثمر نرسد و بتوانیم یک میلیون بشکه نفت صادر کنیم، میزان درآمد ارزی می‌تواند این میزان نقدینگی را جواب بدهد.

ادامه در صفحه ۱۵

چالش توسعه با اصطبل

غلامحسین دوانی . پژوهشگر اقتصادی

ایران پس از دوران صفویه به چنگ خوان قاجار افتاد و سیطره بیش از ۵۰ سال سلطنت قاجار باعث فروپاشی و انحطاط ایران در آستانه دوره رنسانس و پیشرفت اروپا شد. علت عقب‌افتادگی ایران را بسیاری از محققان و مورخان به‌کرات نوشته‌اند؛ از خیانت دولتمردان تا توطئه خارجیان، نبود فرهنگ اجتماعی و...، اما آنچه مهم‌تر از سایر مسائل بود، صعود چوپانان و راهزنان تاجرباشی‌ها به پادشاهی کشوری بود که روزگاری امپراتوری محسوب می‌شد؛ این مسئله ایران را به پاره‌کشوری تبدیل کرد که هر پاره آن مثل جگرگوشه‌ای که از بین برود، به تصاحب بیگانگان درآمد و از این جهت لکه ننگی بر دامان قاجار نشست که هیچ‌گاه پاک نخواهد شد؛ فارغ از گفته‌ها و مدارک و مستنداتی که درباره بی‌بندوباری و تاریکخانه‌های سیاسی و اقتصادی قاجار گفته می‌شود. سند ذیل حکایت گویای کشورداری در دوره‌ای است که درشکه توسعه و پیشرفت در ممالک اروپایی چهارنعله به‌سوی اصلاحات می‌رفت. ارقام بودجه سال ۱۲۸۶ به نقل از کتاب «امیرکبیر»، نوشته زنده‌یاد فریدون آدمیت، به شرح ذیل بوده است:

تدقیق در ارقام فوق نشان می‌دهد که جیره و مواجب کارکنان اصطبل و مهتران (بخوانید بودجه اصطبل - ردیف ۷) حدود ۶/۳ برابر بودجه کارکنان عدلیه (دیوانخانه) بوده و مجموع بودجه ردیف‌های (۷ و ۱۳) یعنی (بودجه اصطبل و دلقک‌های شاه) روی هم ۲۷،۱۸۰ تومان و در مقابل بودجه کارکنان عدلیه ۲،۷۴۶ تومان یا به تعبیری ۱۰ درصد بودجه «اصطبل و مهتران» بوده، چراکه دلقک‌های شاه هم دست‌کمی از ابواب اصطبل نداشته‌اند! با بررسی اجمالی این ارقام می‌توان انتظار داشت که وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن روزگار چگونه باید بوده باشد و چرا نابسامانی و بی‌امنیتی همیشه گریبانگیر مردم ستمدیده ایران بوده است. در دورانی که میرابو، لاوازیه، منتیسکو، لامارتین و ماکسیم گورکی حاصل اندیشه و اراده انسان‌ها در دنیای در حال توسعه بودند حاصل دسترنج مردم ایران را اشراف و اعیان و اصطبل و دلقک‌ها به باد فنا می‌دادند و همین توجه خاص به اصطبل و دلقک‌های اعلیحضرت سرانجام دودمان قاجار را به باد فنا داد.

شرح اقلام خرج	مبالغ: تومان
درآمد نقدی شامل مالیات، گمرک و خالصه و غیره	۲،۶۶۷،۰۰۰
مالیات جنسی، غله (۲۴۵،۲۳۷ خروار) برنج (۴،۴۷۸ خروار) کاه (۱۰،۸۹۵ خروار)	۵۰۰،۰۰۰
جمع کل وصولی	۳،۱۶۷،۰۰۰

ارقام مواجب و مستمری‌ها به استثنای بودجه نظام

شرح	مبالغ: تومان
صدراعظم	۴۲،۰۰۰
شاهزادگان و خاندان سلطنت	۲۵۷،۱۲۶
اشراف و اعیان	۹۸،۲۷۶
ارباب قلم	۱۸،۱۱۰
علما و سادات و ملایان	۴،۱۱۰
اطبا و شعرا و مترجمان و غیره	۱۸،۸۴۳
کارکنان اصطبل و مهتران	۱۷،۵۴۰
خان‌های دودمان قجر	۲۱،۳۰۲
پناهندگان گرجستان، ارمنستان و هرات	۷۷،۵۹۷
اشیک آقاسی و آجودان‌های حضور	۱۸،۴۲۸
کارکنان دیوانخانه (عدلیه)	۲،۷۴۶
معلمان و کارکنان دار الفنون	۷،۷۵۰
دلقک‌های شاه	۹،۶۴۰
غلام پیشخدمت‌ها و پیشخدمتان مخصوص و گارد شاهی	۱۰۳،۵۸۴

«ارقام خرج»

مخارج عمومی به اضافه هدایا، ساختمان‌ها، پست و غیره	۲۳۵،۵۲۱
(عملجات): حقوق دیوانیان در پایتخت	۸۰۵،۹۸۵
بودجه سپاه	۱،۲۲۲،۷۶۴
مخارج ایالتی	۲۹۲،۳۳۱
جمع	۲،۶۵۶،۶۰۱

ارقام درآمد خالص نقدی ایالات که پس از کسر مخارج ایالتی به خزانه پرداخت شده است:

یزد	خراسان	آذربایجان	استرآباد	مازندران	گیلان	لرستان و خوزستان
۷۳،۰۰۰	۲۲۷،۰۰۰	۶۲۰،۰۰۰	۲۳،۰۰۰	۱۰۲،۰۰۰	۲۳۸،۰۰۰	۱۳۰،۰۰۰
تهران و حومه	کرمان	اصفهان	همدان	کرمانشاه	فارس	کردستان
۱۲۲،۰۰۰	۱۰۱،۰۰۰	۳۳۲،۰۰۰	۶۵،۰۰۰	۷۹،۰۰۰	۴۰۳،۰۰۰	۳۲،۰۰۰
قزوین و خمسه	عراق مرکزی شامل (کاشان –قم و کاشان و گلپایگان–ساوه و ملایر و غیره)					
۱۳۲،۰۰۰	۳۱۲،۰۰۰					
جمع کل ۲،۹۹۱،۰۰۰						

خبر

عوامل اصلی سقوط لیر و ریال در مقابل دلار

بهرام مسعودی
پژوهشگر اقتصادی

● فشار تحریم، ضعف‌های زیرساختی اقتصاد، ناکارآمدی مسئولان اقتصادی یا سیاست‌های کلی و خارجی و روابط بین‌الملل کدام نقش بیشتری در سقوط لیر و ریال دارند؟ از زمان تحریم آمریکا علیه وزیر دادگستری و امور خارجه ترکیه تاکنون ۴۰ درصد ارزش لیر ترک نسبت به دلار آمریکا تنزل داشته است، با سرمایه‌گذاری اخیر ۱۵ میلیارد دلاری قطر هفت درصد ارزش لیر ترک ترقی داشت، ولی با موانع جدیدی که آمریکا بر فولاد و آلومینیوم ترکیه اعمال کرد. ارزش لیر مجدد شش درصد در مقابل دلار سقوط کرد. اردوغان اعلام کرد اگر آنها دلار دارند ما خدا را داریم. بااین‌حال و با وجود حمایت مردم ترکیه از سیاست‌های دولت و آتش‌زدن دلار از سوی طرفداران اردوغان، سرمایه‌گذاری ۱۵ میلیارد دلاری قطر که هفت درصد ارزش لیر را بالا برده بود، نتوانست ارزش لیر را حفظ کند و با پایین‌آمدن شش درصدی مجدد ارزش لیر، همه این عوامل توانستند فقط یک درصد ارزش لیر را ترقی دهند، یعنی اکنون سقوط ارزش لیر نسبت به دلار به ۳۹ درصد قبل از تحریم رسیده است. با توجه به اینکه زیرساخت‌های اقتصادی ترکیه قوی‌تر از ایران است و به نظر می‌رسد دولت‌مردانش از دولت‌مردان ما تخصص و تجربه بالاتر و کارآمدی بالاتری دارند، بااین‌حال با داشتن همه این عوامل نتوانستند ارزش لیر را حفظ کنند، این یعنی فشار تحریم مهم‌ترین عامل سقوط ارزش پول است، تا این فشار برداشته نشود تدابیر دیگر کارساز نخواهد شد. پس عامل اصلی سقوط ریال ایران در مقابل دلار آمریکا را تماما به ناکارآمدی دولتمردان اقتصادی نسبت‌دادن با حقیقت قرین نیست و عامل اصلی سقوط ریال در مقابل دلار در درجه اول به اثرات تحریم‌های آمریکا و عواملی مانند ضعف‌های زیرساختی اقتصاد کشور مربوط است و ناکارآمدی مسئولان در مراحل بعدی قرار دارد و تعویض مدیران در این شرایط نمی‌تواند اثرات مهمی ایجاد کند. در این شرایط و فشارهای ناشی از تحریم آمریکا حتی از کارآمدترین نیروها هم کار چندانی ساخته نیست (البته از اهمیت سلامت مسئولان، سلامت اقتصاد و شفافیت و مبارزه جدی با باندهای منفعت‌طلب نباید غافل شد) بلکه این هنر سیاست‌های کلی و سیاست خارجی و روابط بین‌الملل و تدابیر هوشمندانه است که در درجه اول اهمیت قرار دارد و می‌تواند شرایط را تغییر دهد و ارزش ریال را در مقابل دلار حفظ کند.

خبر ویژه

سرپرست شرکت نفت پاسارگاد:

فروش صادراتی نفت پاسارگاد فقط از طریق مزایده عمومی خواهد بود

● مسعود جبرائیلی گفت: در راستای شفاف‌سازی معاملات و پیرو دستور اکید مهندس «لطفی»، مدیرعامل شستا و تأکید ویژه مهندس «مخدومی»، مدیرعامل تاپیکو، همه محصولات صادراتی این شرکت از طریق مزایده عمومی به فروش می‌رسد. به گزارش آژانس رویدادهای مهم نفت و انرژی «نفت ما»، سرپرست شرکت نفت پاسارگاد تأکید کرد: تمامی محصولات صادراتی این شرکت از طریق مزایده عمومی به فروش می‌رسد. وی افزود: فروش مذاکره‌ای برای محصولات صادراتی از شرکت نفت پاسارگاد حذف و فروش مزایده‌ای جایگزین آن شده است. شرکت نفت پاسارگاد به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده قیر خاورمیانه دارای شش کارخانه در آبادان، اراک، بندرعباس، تهران، تبریز و شیراز و دو پایانه صادراتی در بندر امام خمینی (ره) و بندرعباس است.

تاکسی ماکسیم

● مراسم شروع به کار «سامانه درخواست خودرو ماکسیم» و «سرویس ۱۶۱۱» دیروز با حضور اصحاب رسانه و مدیران ارشد تاکسی ماکسیم در هتل اسپیناس برگزار شد. ایلیا بانی‌شف (مدیرکل پروژه ایران) و آرمین کریمی (مدیرکل توسعه بازار تاکسی ماکسیم در ایران) ضمن بیان سابقه فعالیت این مجموعه در روسیه، اهداف و برنامه‌های آتی تاکسی ماکسیم در ایران را برای حضار تشریح نمودند. تاکسی ماکسیم از سال ۲۰۰۳ در روسیه شروع به کار کرده و در کشورهای اوکراین، بلاروس، بلغارستان، گرجستان، آذربایجان، قزاقستان، تاجیکستان، ایران و ایتالیا در حال فعالیت است. تاکسی ماکسیم حدود یک سال است که در ایران فعالیت خود را آغاز کرده و حدود ۴۰۰ هزار راننده تاکنون جذب تاکسی ماکسیم شده‌اند.